

راه پنجم توثیق احمد بن محمد بن یحیی العطار: مقایسه نقل ایشان با نقلهای دیگر. 1

بررسی راه پنجم. 2

نتیجه دلیل اول: پذیرش مناقشه دلالتی و نسخه ای و رد مناقشه سندی... 2

دلیل دوم قول به طهارت: اولویت... 3

تقریر اول اولویت: اولویت نجاست اخف نسبت خمر در طهارت... 3

اشکال اول تقریر اول: حرمت خمر اشد است نه نجاست آن. 3

اشکال دوم: اشدیت دلیل بر اولویت در مطهریت بواسطه انقلاب نیست. 3

راه پنجم توثیق احمد بن محمد بن یحیی العطار: مقایسه نقل ایشان با نقلهای دیگر

یکی از راههای عقلایی احراز وثاقت و ضبط افراد این است که آن چه او بیان و نقل می کند را با حرفهای کسانی که یقین به وثاقت آنها داریم مقایسه کنیم. اگر درصد بالایی مطابق حرفهای صحیحی باشد که دیگران نقل کرده اند علم پیدا می کنیم که او راستگو است.

مشابه این کار بازشماری اتفاقی صندوقهای رأی در انتخابات است. در صورتی که بعد از بازشماری تعدادی از صندوقها به تفاوتی در آراء حاصل نشد اطمینان عقلائی حاصل می شود که حداقل تقلب گسترده ای صورت نگرفته است.

اگر از صد حرفی که شخصی برای ما نقل کرده است هشتاد مورد را بررسی کردیم و به این نتیجه رسیدیم که صحیح است و سخنانش با سخنان کسانی که به راستگویی می شناسیم مطابق است در این صورت اطمینان به صدق و راستگویی او پیدا می شود و بعد از آن هر حرفی که او نقل می کند برای ما موثق خواهد بود.

اساسا راه عقلائی برای کسب وثاقت شخص همین است. یعنی از بررسی موارد متعددی که او نقل کرده است در صورتی که راه به کشف واقع هست و یا مطابقت با سخنان انسانهای ثقه دیگر در صورتی که نتوانیم خودمان به واقع دست پیدا کنیم حکم به وثاقت یا عدم وثاقت می کنیم. و اصلا امکان ندارد همه خبرهای کسی بررسی شود و بعد حکم به وثاقت او شود. چون اولاً باید صبر کرد بعد از مرگ او، حکم به وثاقتش کرد و ثانیاً هیچ گاه همه حرفهای کسی به گوش ما نمی رسد.

و شارع که خبر ثقه را حجت کرده است راه تشخیص وثاقت را احاله داده است به راههایی که عقلا در بین خود دارند. این راه در بین عقلا مرسوم است و مورد ردع شارع قرار نگرفته است.

بله در معصومین علیهم السلام بواسطه عصمتشان می توانیم حکم به صحت همه سخنانشان کنیم اما در غیر معصومین دو راه بیشتر وجود ندارد یا بررسی کسری از سخنان آن شخص و یا اقامه بینه. و خود بینه هم از همین راه وثاقت را به دست آورده است.

وقتی کبری ثابت شد تطبیق بر مانحن فیه به این گونه است که بسیاری از اسناد چه در نجاشی و چه در فهرست شیخ از دو راه نقل شده اند. و در یک سند احمد بن محمد بن یحیی العطار وجود دارد و در سند دیگر وجود ندارد و در هیچ کدام از اینها دیده نشده است که شیخ یا نجاشی بگویند اختلاف در نقل وجود دارد. عدم تنبیه اختلاف در نقل در حالی که گزارشگر دیگر موثق است برای ما اطمینان به وثاقت ایشان حاصل می کد.

بررسی راه پنجم

این راه متینی است که بواسطه آن می توانیم احوال بسیاری از مشایخ اجازه را به دست بیاوریم. این راه در مورد رواة ناقل از ائمه کم ثمر است زیرا مواردی که دو نفر مطلب واحدی را نقل کنند زیاد نیست اما در مشایخ اجازه فراوان پیدا می شود.

در مورد احمد بن محمد بن یحیی العطار و احمد بن محمد بن حسن بن ولید این طریق قابل تطبیق است و وثاقتشان ثابت می شود و مشکل بسیاری از روایت حل می شود.

نتیجه دلیل اول: پذیرش مناقشه دلالی و نسخه ای و رد مناقشه سندی

بحث در مطهریت انقلاب در عصیر عنبی مغلی در اثر بود. قول اول طهارت آن بود. دلیل اول این قول استدلال به روایت معاویه بن عمار بود به این بیان که در این روایت امام علیه السلام فرموده اند عصیر با این خصوصیت خمر است. چون امام علیه السلام اطلاق خمر نموده اند و این اطلاق حقیقی نیست زیرا علاوه بر اینکه در عرف و لغت به عصیر مادامی که مسکر نشده باشد خمر گفته نمی شود در خصوص روایت هم نمی توان گفت امام علیه السلام اطلاق خمر واقعی کرده اند زیرا بایع خبر از ثلثان شدن داده است و احتمال ثلثان شدن وجود دارد و چیزی که شک در ثلثان شدن آن داریم را نمی توانیم بگویم خمر است. بله حجت بر طهارت نداریم. پس اطلاق خمر به نحو تعبد است و عموم تنزیل را می رساند و یکی از آثار طهارت بواسطه تخلیل است.

در این استدلال مناقشات دلالی و نسخه ای شده بود اما مناقشه سندی را جواب دادیم. در نتیجه استدلال ناتمام است.

دلیل دوم قول به طهارت: اولویت

دلیل دیگر اولویت است که دارای چند تقریر است.

تقریر اول اولویت: اولویت نجاست اخف نسبت خمر در طهارت

مرحوم خویی در فقه الشیعه فرموده اند: خمر با وجود شدتی که در نجاست دارد انقلاب مطهر آن است پس عصیر عنبی که اخف از خمر است انقلاب مطهرش خواهد بود

اشکال اول تقریر اول: حرمت خمر اشد است نه نجاست آن

قبلاً گفتیم دلیلی بر اشدیت نجاست خمر نداریم. بله حرمت آن اشد است. تنها در دو مورد دلیل بر اشدیت نجاستشان داریم یکی در مورد کلب و دیگری در مورد ناصبی.

اختلاف در مطهر کاشف از اشدیت نجاست نیست. به عنوان مثال این که ظرف خمر باید سه بار با آب قلیل یا حتی با آب کر باید شسته شود اما در غیر خمر چنین حکمی وجود ندارد دلیل بر انجسیت نیست. زیرا مثلاً ناصبی که انجس از کلب اگر بدنش با شیئی برخورد کند یک بار شستن آن را پاک می کند.

بلکه ممکن است نجاستی اخف باشد ولی زوالش مشکل تر باشد مثل این که ویروسی وجود داشته باشد که خطر چندانی ندارد اما راه از بین بردنش سخت تر است اما ویروسی دیگر خطر فراوان برای انسان داشته باشد اما راه حل از بین بردنش آسان تر باشد.

چون ما به فلسفه احکام نیستیم نمی توانیم چنین ملازمه ای استفاده کنیم.

اشکال دوم: اشدیت دلیل بر اولویت در مطهریت بواسطه انقلاب نیست.

از این بیانی که گفتیم اشکال دوم هم معلوم می شود. بر فرض که نجاست خمر اشد باشد اما ملازمه ای وجود ندارد که هر چیزی که نجاست اشد را از بین می برد اخف را باید به طریق اولی از بین ببرد.

وصلی الله علی محمد و آل محمد.